

## **Drivers of the New World Order with a Focus on West Asia**

Ali Haeri Kia<sup>1</sup>, Fathullah Kalantari<sup>2</sup>

**Received: 25-08-2022**

**Accepted: 01-12-2022**

### **Abstract**

The West Asia region holds significant importance in U.S. foreign policy, with the country consistently seeking to expand its influence in the region. The idea of exerting influence in West Asia has been proposed as part of achieving a new world order aimed at managing conflicts and fostering coordination in the region. However, in the 21st century, global developments, shifts in international order, and changes in international politics have posed new challenges to the hegemony of the United States. Concurrently, the events and crises in the West Asia region have created additional obstacles to establishing the new U.S.-led global order. The primary question of this study is: What are the drivers of the global order in West Asia, considering the simultaneity of crises and events in the region with the conditions of the new global order? This applied and developmental research aims to identify the drivers of the emerging global order in West Asia. The research employs a descriptive and contextual methodology, with data collected through library and field studies. The analysis is conducted using the MICMAC software to evaluate the cross-impact of the identified drivers. As a result, key drivers such as the diplomacy of the resistance movement, the Arab-Hebrew alliance, and border and territorial disputes among West Asian countries have been identified as pivotal factors.

**Key Words:** Drivers, West Asian region, New order, Globalization †Axis of resistance.

---

1 . Corresponding Author. Ph.D. Student in Futures Studies, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran Ali.hakia.fu@gmail.com

2 . Associate Professor in National Security Department, Faculty of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran ff.Ka@chmail.ir

## پیشران‌های نظم جدید جهانی با تمرکز بر غرب آسیا

علی حابری کیا<sup>۱</sup>، فتح‌الله کلانتری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: 1401/09/10

تاریخ دریافت: 1401/07/03

### چکیده

منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی آمریکا اهمیت بسیار بالایی دارد و این کشور همواره تلاش می‌کند که نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهد، در واقع ایده نفوذ در غرب آسیا برای تحقق نظم جدید جهانی به‌منظور مدیریت منازعات و نظم و هماهنگی در این منطقه مطرح شده است، لیکن در قرن بیست و یکم تحولات جهانی، نظم بین‌الملل و تغییر سیاست بین‌الملل جایگاه هژمونی ایالات متحده آمریکا را با چالش‌های جدیدی مواجه نموده؛ که وقوع رویدادها و بحران‌های موجود در منطقه غرب آسیا، نیز شرایط و موانعی را در مسیر نظم جدید جهانی-آمریکایی حکم‌فرما نموده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است، با توجه به همزمانی بحران‌ها و رویدادهای موجود در این منطقه با شرایط جدید نظم جهانی پیشران‌های نظم جهانی در منطقه غرب آسیا کدامند؟ این تحقیق (کاربردی، توسعه‌ای) با هدف شناسایی پیشران‌های نظم جدید جهانی در منطقه غرب آسیا انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی، زمینه‌ای و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است که تحلیل آن با ارزیابی اثرات متقاطع پیشران‌های شناسایی شده با استفاده از نرم‌افزار میک مک صورت گرفته است. در نتیجه پیشران‌هایی شامل: دیپلماسی نهضتی محور مقاومت، ائتلاف عربی-عبری و مناقشات مرزی و ارضی بین کشورهای غرب آسیا به‌عنوان پیشران‌های کلیدی شناسایی شد.

**کلیدواژه‌ها:** پیشران، منطقه غرب آسیا، نظم جدید، جهانی‌شدن، محور مقاومت.

1. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ali.hakia.fu@gmail.com

2. دانشیار گروه امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران fffkalantari@chmail.ir

## مقدمه

نظم جدید جهانی دوره‌ای در موازنه قدرت و باور ایدئولوژیکی است که تحقق نظم جدید جهانی، از طریق فهم و شناسایی فراتر از واحدهای ملی میسر می‌سازد. این اصطلاح به «اصول ویلسون»<sup>۱</sup> «جرج هربرت واکر بوش»<sup>۲</sup>، «گورباچف»<sup>۳</sup> برای نظم پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. که به دلیل بروز منازعات میان قدرت‌های بزرگ و مدعی در عصر حاضر از جمله آمریکا، نظیر چین و روسیه نظم جدید کنونی فاقد مشروعیت است و این نظم سنتی آمریکایی دچار چالش شده است. چامسکی<sup>۴</sup> ویژگی نظم جدید جهانی به رهبری آمریکا را آکنده از نژادپرستی و دورویی می‌داند (عبداللهی، ۱۳۹۷).

در سده بیستم هیچ کشوری چون ایالات متحده بر روابط بین‌الملل تأثیر چنین قاطعانه‌ای در عین حال متناقض نداشته است. هیچ جامعه‌ای به این اندازه بر دخالت ناروا در امور کشورهای دیگر پافشاری نکرده است و تا این اندازه با این هیاهو فریاد نکرده است؛ که ارزش‌هایش در سطح جهان مقبولیت دارد.

ایالات متحده آمریکا در دوران پس از جنگ سرد، مسئله تثبیت هژمونی جهانی خود را با ایجاد جهان اقتصادی یک‌دست (اقتصادی، سیاسی و...) از راه بهره‌برداری سناریوهای دموکراسی برای همه جهان دنبال می‌کند.

منطقه غرب آسیا به دلیل پراکندگی نامتوازن، منابع قدرت و رفتارهای رقابتی بازیگران پس از پایان جنگ جهانی اول تاکنون همواره در تنش و بی‌ثباتی بوده که مهم‌ترین عامل برای روند تغییرات بین‌المللی رشد، نابرابری قدرت و... در میان کشورهای این منطقه است. در سال‌های اخیر ژئوپلیتیک غرب آسیا، دگرگونی جدی را در عرصه میدانی و مناسبات بین کشورهای منطقه تجربه کرده است. این موضوع عمدتاً نتیجه و برآیند کنش‌های متقابل بین تحولات میدانی، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. با این کشورها و همچنین ماجراجویی‌های نظامی در منطقه غرب آسیا در مسیر بی‌ثبات‌سازی این منطقه برای جلوگیری از هم‌گرایی بین

1. Wilson
2. George Herbert Walker Bush
3. Gorbachev
4. Chomsky

کشورهای اسلامی و جلوگیری از توسعه اقتصادی سیاسی و ... کشورهای این مناطق ضرورت شناسایی پیشران‌های مؤثر در ایجاد نظم جدید جهانی را به‌منظور نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و ایجاد همگرایی کشورها در این منطقه، ضمن ایجاد توسعه، صلح و امنیت زمینه‌های شکل‌گیری، جهت‌گیری برای تمرکز و ایجاد دیپلماسی سیاست‌ها و راهبردهای مشترک در سطح کشورهای این منطقه را به همراه خواهد داشت. بنابراین با توجه به این مسئله، سؤال اصلی بر این مبنا قرار گرفته است پیشران‌های نظم جدید جهانی در منطقه غرب آسیا کدامند؟

## 1. مبانی نظری

### 1-1. جهانی‌شدن

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فضای کافی برای ارتقای جایگاه ایالات متحده آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت مهیا شد. به‌طوری که برخی نظریه‌پردازان ساختار نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد را دنیای تک‌قطبی نامیدند، اما آنچه ورای اختلاف‌نظر در مورد جایگاه آمریکا مطرح شده است اشتراک نظر آن‌ها در بروز و ظهور یک ابرقدرت بدون رقیب هم‌شان و هم‌سطح بوده است (آجورلو، 1400).

دو نگرش اساسی درباره جهانی‌شدن<sup>۱</sup>، شکل یافته است: نخست، موافقان جهانی‌شدن که با تلقی خوش‌بینانه‌ی می‌گویند تاریخ تحول بشر از ابتدا برابر مقتضای طبیعی‌اش، روندی را شروع کرده است که در آن، نیازمندی انسان‌ها را به هم نزدیک کرده است. امروزه هم همان نیازمندی‌ها و انتظارات، جهانی شده است و هیچ نگرش مبتنی بر سلطه‌ای در ورای این فرآیند وجود ندارد (افتخاری، 1381).

مهم‌ترین نظریه‌پردازان و مدافعان جهانی‌شدن در حوزه لیبرالیسم هستند که به دو دسته تقسیم می‌شوند. یکی دارای رویکرد ایدئولوژیک بوده که جهانی‌شدن را وسیله‌ای برای ترویج لیبرالیسم قرار داده‌اند که کوهن<sup>۲</sup>، فوکویاما<sup>۳</sup> و هانگیتون<sup>۴</sup> از این جمله هستند و جوهره جهانی‌شدن را لیبرال دموکراسی می‌دانند. دسته دوم دارای رویکرد فرایندی بوده که در تلاش

1. Globalization
2. Cohen
3. Fukuyama
4. Huntington

برای تبیین علمی پدیده جهانی شدن می‌باشند و جهانی شدن را از ملزومات و مایه تداوم عصر مدرنیته محسوب می‌نمایند (گلشنی و غلامی، ۱۳۸۷).

تثبیت، حفظ و تداوم هژمون آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در عرصه بین‌المللی، از جمله سیاست‌های خارجی آمریکا در ساختار بین‌الملل بوده است که استراتژیست‌های ایالات متحده آمریکا با ایجاد معاهدات و سازمان‌ها و نهادهایی، هزینه آن را پرداخت نموده‌اند (Ikenberry & Nexon, 2019).

حاکم شدن نظام دوقطبی در زمان جنگ سرد موجب کاهش نقش آفرینی و ظهور سازمان‌های منطقه‌ای و همچنین تأثیر آنان بر روند تحولات بین‌المللی شد؛ و اغلب سیاستگذاری همه‌جانبه در قالب مرزبندی مشخص شده توسط بلوک‌های شرق (کمونیستی) و غرب (سرمایه‌داری) صورت می‌گرفت؛ و سایر کشورها خود را تابع و پیرو سیاست‌های بلوک‌های موردنظر قرار می‌دادند. اما پس از درهم شکستن نظام کمونیستی با پشتوانه فناوری‌های پیشرفته مفاهیم منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی همزمان به‌طور موازی خود را نشان دادند؛ و دلیل عمده آن از این‌رو بود که سرمایه‌داری غرب با برداشتن تهدیدات پیشین خود، تمرکز و تلاش خود را بر پایه نظم جدید بین‌المللی با معیارها و ارزش‌ها و هنجارهای خود نمود؛ نظمی که در آن سیاست (دموکراسی)، اقتصاد (سرمایه‌داری) و فرهنگ (لیبرالیسم) عناصر اصلی تشکیل‌دهنده آن هستند. فعالیت سازمان‌های بین‌المللی با ماهیت «سازمان تجارت جهانی» برای یکپارچه کردن و همگون‌سازی رفتار اقتصادی کشورها و تعیین معیارها و الگوهای یکسان توسعه و همگرایی اقتصادی در سطح جهان، تلاش می‌کنند روزبه‌روز نیز بر قدرت و سیطره خود بیافزایند و موجب کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی کشورها شده‌اند (لوامی و دیگران، ۱۴۰۰).

واترز<sup>۱</sup> معتقد است «قصد، برنامه و آگاهی معینی پشت این فرایندها نهفته است. جهانی‌سازی دربرگیرنده این مفهوم است که نیروهایی مانند دولت-ملت یا شرکت‌های چندملیتی، بر اساس علایق و منافع خود به همگون‌سازی جهان پرداخته‌اند، به همین دلیل باید از جهانی‌سازی سخن گفت نه از جهانی‌شدن» (Waters, 1995: 2). هلد و مک‌گرو<sup>۲</sup> که خود از مدافعان جهانی‌شدن هستند،

1. Waters

2. Held and McGraw

نظر مخالفان جهانی شدن را چنین می‌نویسند: جهانی‌شدن پروژه‌ای است که نخبگان سیاسی و اقتصادی آن را اداره می‌کنند، یعنی نوعی کیهان‌سالاری که متمرکز بر آمریکاست. از مهم‌ترین این نهادهای اقتصادی و شبکه‌ها می‌توان به صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، گروه هفت و بانک بازپرداخت‌های بین‌المللی (BIS) اشاره کرد. رابرتسون<sup>۱</sup> با وجود اینکه با نظریه نظام جهانی به خاطر وجهه اقتصادگرایانه آن موافقت ندارد، اما معتقد است: سخن ایمانوئل والرشتاین را باید جدی گرفت که گفت تجزیه و تحلیل مبتنی بر نظریه نظام جهانی یک نظریه درباره جهان نیست. این تجزیه و تحلیل اعتراضی است علیه ساختاری که تحقیقات علمی از آغاز پیدایش آن در اواسط قرن ۱۹ برای همه ما ایجاد کرد (اسدی، ۱۳۹۲: ۸).

التوش<sup>۲</sup> جهانی‌شدن را چیزی جز غربی‌سازی نمی‌داند و روآسانی معتقد است «شیوه تولید سرمایه‌داری (امپریالیسم سرمایه‌داری) تحت عنوان جهانی‌شدن در ابعاد مختلف، در حال تهاجم برای تحمیل ادامه استبداد یک اقلیت بر جوامع جهانی است» (روآسانی، ۱۳۸۴).

برخی نظریه‌ها که جهانی‌شدن را مورد نقد قرار می‌دهند، متأثر از آموزه‌های نظریه‌پردازان مارکسیست هستند. بیشتر مارکسیست‌ها، جهانی‌شدن را به عنوان واقعیت موجود انکار نمی‌کنند؛ بلکه آن را تجلی و تجسم نظام جهانی سرمایه‌داری می‌دانند. از چهره‌های شاخص این نظریه می‌توان ایمانوئل والرشتاین<sup>۳</sup>، سمیرامین و آندره گوندرفرانک را نام برد. هابرماس نیز به‌رغم تفاوت‌های آشکار به هر صورت محصول سنت مارکسیسم محسوب می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۶).

نظم جهانی کنونی که از میان خرابه‌های بین دو جنگ جهانی به وجود آمده، ریشه در نظم قرن نوزدهم دارد. از نظر کسینجر<sup>۴</sup> «معاهده صلح وستفالی نقطه عطفی در تاریخ ملت‌ها بود؛ زیرا عناصری که از آن به وجود آمد بسیار ساده ولی تأثیرگذار بود» (کسینجر، ۱۳۹۶).

جورج بوش پس از سرکوب عراق آرمان‌هایی را عنوان نمود: «ما فرصتی در پیش‌رو داریم تا برای خود و نسل‌های آینده یک نظم جدید جهانی را شکل دهیم؛ جهانی که در آن حاکمیت

1. Robertson

2. Al Tush

3. Emmanuel Wallerstein

4. Kissinger

قانون و نه قانون جنگل، بر نحوه رفتار ملت‌ها نظارت می‌کند.» و تأکید کرد که این نظم نوین جهانی، نظمی است که در آن یک سازمان ملل معتبر می‌تواند از نقش خود برای پاسداری از صلح جهت تحقق منشور و آرمان‌های بنیانگذاران آن بهره‌گیرد (همان).

به نظر «آلفرد مک‌کوی» در قرن 21 قدرت‌هایی مانند چین، روسیه، برزیل و هند که باهم در سطح روابط و تعاملاتی مناسبی قرار خواهند داشت، ظهور پیدا می‌کنند و قدرت‌هایی مانند آمریکا، آلمان، انگلیس و ژاپن رو به افول خواهند گذاشت؛ و در ادامه نظم جهان آینده، هژمون‌های منطقه‌ای می‌شوند (Mccoy, 2010).

## 1-2. شکل‌گیری نظم جدید جهانی

کاهش نقش آمریکا به‌عنوان بازیگر اصلی در عرصه نظام بین‌الملل به همراه مشکلات اقتصادی آمریکا و اشتباهات محاسباتی آمریکا در افغانستان و عراق از روندهای تغییر نظم جهانی است. در نظم جهانی لیبرال و در ساختار جهانی قدرت، هژمونی قدرت آمریکا افول یافته و جهان نوعی تحول از قدرت تک‌قطبی به چندقطبی را تجربه می‌کند (Kendberry, 2012). سیاست خارجی جدید آمریکا به‌خصوص در دوران ترامپ یک سیاست خارجی ضد نهادی بوده است (Mullan, 2020). محدودیت‌زدایی نهادها، معاهدات و سازمان‌های بین‌المللی برای آمریکا یکی از نشانه‌های افول جایگاه آمریکا از یک ابرقدرت به قدرت بزرگ جهانی است. چامسکی معتقد است که نظام حکومتی و اقتصادی آمریکا در داخل و خارج در حال سقوط است و این کشور را به یک کشور رو به فروپاشی تبدیل کرده است (Chomsky, 2010). برآوردهای آینده نشان می‌دهد ظرف دهه‌های آتی، چین مهم‌ترین چالش بالفعل آمریکا به لحاظ اقتصادی و نظامی خواهد بود. لذا برای ایالات متحده آمریکا بسیار ضروری است که با تداوم تمرکززدایی و احاله مسئولیت به متحدین خویش، خود را از آسیب‌ها و مشکلات این منطقه دور نگه دارد و بر مسائل مهم‌تر در سطح جهانی - چین و روسیه - متمرکز نماید (کردی، 1401).

انتقال قدرت به آسیا و تغییر قدرت اقتصادی از غرب سرمایه‌داری به سوی شرق، وضعیت ممتاز چین و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی آمریکا از مهم‌ترین عوامل ضعف و افول موقعیت

جهانی آمریکا است که شکل‌گیری رقابتی متفاوت بین چین و آمریکا را رقم زده است. هژمونی آمریکا تاکنون به خاطر ماهیت نهادینه‌شده و دیپلماسی خاص این کشور بوده، که در ابتدای قرن 21 شاهد بروز و ظهور قدرت‌های بزرگ در عرصه نظام بین‌الملل خواهیم بود که فرا یک‌جانبه‌گرایی را با چالش اساسی مواجه کرده است (Ikendberry, 2011).

وجود حجم عظیم منابع انرژی (نفت و گاز)، تبدیل‌شدن این منطقه به نبض اقتصادی جهانی، موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه آن در قرار گرفتن بر سر راه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا به اهمیت غرب آسیا افزوده است. تحقق نظم جدید جهانی در غرب آسیا مستلزم تسلط آمریکا در این منطقه است که این اقدام با توجه به همزمانی با بحران‌های موجود در این منطقه می‌بایستی صورت بگیرد زیرا که اعتقاد مقامات آمریکایی‌ها بر این است که وجود بحران‌ها ضمن تضعیف نفوذ و سلطه آمریکا در غرب آسیا زمینه را برای طغیان قدرت‌های دیگر و نفوذ آن‌ها فراهم می‌آورد. که در این راستا جنگ خلیج فارس و سیاست‌های بعد از آن ابزاری را برای تثبیت حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا و جلوگیری از نفوذ سایر قدرت‌ها بوده است، همچنین وجود نفت و سایر انرژی‌ها در این منطقه رابطه مستقیم و انکارناپذیری با هژمونی آمریکا دارد. به‌گونه‌ای که این کشور برای گسترش نفوذ سیاسی خود در جهان صنعتی، نیازمند آن است که همچنان کنترل راه‌های انتقال نفت و تأمین امنیت آن را بر عهده داشته باشد. تا از این طریق اهرم مناسب را برای تنظیم روابط خود با این قدرت‌ها در اختیار داشته باشد. لذا توجه و اهتمام آمریکا در استقرار و تثبیت خود به‌عنوان قدرت هژمون منطقه غرب آسیا، پس از جنگ سرد و تسلط بر آن اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند.

### 3-1. بحران‌ها و رویدادهای منطقه‌ای

#### 1-3-1. دیپلماسی نهضتی محور مقاومت

بین کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان سعودی، تغییر هویتی صورت گرفته است که عراق را مغایر نظم جهان عرب و جایگاهی برای نفوذ ایران و محور مقاومت در تحولات جهان عرب برآورد کردند؛ به‌عبارت دیگر پس از تهاجم ایالات متحده به عراق در سال 2003 و خلاء امنیتی به وجود آمده از آن، فرصت خوبی برای گروه‌های غیردولتی شد تا از بند اسارت رها



شوند و همچنین یک نوع برتری ایدئولوژیک برای جمهوری اسلامی ایران در عراق به وجود آمد که پیام‌های اسلامی شیعه را انتشار دهند (Vatanka, 2018).

شکل‌گیری محور مقاومت برای مقابله با ترتیبات امنیتی و نظم سیاسی مطلوب آمریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی است. محور مقاومت نه یک محور منطقه‌ای که یک محور و مدار جهانی با حفظ وحدت و انسجام مستضعفان عالم است؛ که آرمان‌هایی در هر دو بُعد ایجابی (عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی) و سلبی (آمریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی در چارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه)، دنبال می‌کند. با هدف نجات انسان در چارچوب دکترین «تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه» هر فرد، جریان، جنبش و دولتی را که مخالف استکبار جهانی و نظام سلطه در هر نقطه از جهان متحد طبیعی را در جبهه خود می‌داند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۹).

دیپلماسی نهضتی را می‌توان چنین تعریف نمود: «تلاش و مجاهدت اعتقادی و ایمانی نیروهای مردمی با هدف بسیج مستضعفان جهان علیه نظام سلطه در جهت ترویج و تثبیت گفتمان مقاومت». بر طبق این تعریف مقاومت و دیپلماسی نهضتی هرگز محدود و محصور در میان مسلمانان و جهان اسلام نیست درست به همین دلیل است که امام خمینی (ره) معتقدند: «نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام، همان نهضت انبیاست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ص. ۴۴۶).

### 1-3-2. ائتلاف عربی-عبری

یکی از تحولات و اتفاقاتی که طی سالیان اخیر در منطقه غرب آسیا واقع شد نزدیکی اعراب و رژیم بوده که این نزدیکی که به بهای فراموشی آرمان نجات سرزمین برادران عربشان در فلسطین تمام شده است. در همین رابطه «نتانیاها» در نشست داووس و سپس مجمع عمومی سازمان ملل اعلام می‌کند: یک تغییر بزرگ در حال رخ دادن است؛ ما قبلاً فکر می‌کردیم که اگر مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها حل شود، مناقشه ما با اعراب هم حل می‌شود. وقتی بیشتر در این خصوص دقت می‌کنم، می‌بینم که گویا وضعیت به گونه دیگری است. حالا

روابطی که در حال شکل‌گیری میان ما و جهان عرب است می‌تواند به حل مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی کمک کند (مرادی، 1395). اگرچه افکار عمومی کشورهای عربی همچنان در مقابل خشونت‌های دوره‌ای رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان حساس و تحریک‌پذیر هستند، اما در حال حاضر نگرانی کمتری نسبت به موضوع فلسطین دارند. نظرسنجی انجام‌شده توسط برخی مؤسسات غربی نشان‌دهنده این موضوع است که مردم کشورهای عربی در حال حاضر داعش و بیکاری را مهمترین تهدیدات جامعه عربی می‌دانند. موضوع منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی از رتبه هفتم نگرانی‌های جامعه عربی در سال گذشته به رتبه هشتم سقوط کرده است (Friedman & Yaalon, 2018). آن چیزی که سبب نزدیکی اعراب به رهبری عربستان با رژیم صهیونیستی شده است و این توان را برای رژیم صهیونیستی فراهم آورده است که بجای اینکه به‌تنهایی با ایران مواجه شود، حمایت اعراب را داشته باشد (Rahman, 2019).

### 1-3-3. اشتراکات دینی و ارزشی

اسلام به‌عنوان یکی از منابع هویتی مهم کنشگران غرب آسیا به گونه‌های متفاوتی به شکل‌گیری واقعیت مسلمانان و دولت اسلامی در عرصه همکاری و منازعه منطقه‌ای کمک کرده است (عطایی و میرنظامی، 1400). وجود اشتراکات دین اسلام گسترش در کشورهای غرب آسیا اختلاف بین شیعه و سنی و شکاف ایدئولوژیکی که در این منطقه وجود دارد. با ایجاد ادعای توسط برخی سران عرب نظیر احیای شیعه در منطقه توسط ایران برای پیشبرد اهداف سیاسی و منطقه‌ای خود با عنوان هلال شیعی، روی کار آمدن برخی افراد در ساختارهای دولتی این کشورها و تأثیرگذاری بر روابط بین کشورها ناشی از اختلافات ایدئولوژیکی همواره موجب خدشه‌دار شدن وحدت و ایجاد اختلافات سیاسی و مذهبی در منطقه شده است. (Dina, 2019).

### 1-3-4. عضویت ایران در پیمان شانگهای

پذیرفته شدن ایران به‌عنوان عضو رسمی پیمان شانگهای و تأثیرات امنیتی و اقتصادی آن در کنار سایر اعضاء زمینه‌های سطح کنشگری ایران را در منطقه و در نظام بین‌الملل افزایش می‌دهد؛ و می‌تواند ایران را یکی از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های

ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مطرح و در توازن بخشی میان قطب‌بندی‌های اعضای این پیمان داشته باشد.

### 1-3-5. روابط اقتصادی چین در منطقه

از نظر اهداف خارجی قدرت نرم و تلاش‌های دیپلماسی، نشان دادن چین به عنوان یک بازیگر بین‌المللی مهم و صلح‌آمیز مدافع سایر کشورهای در حال توسعه و وزنه مقابل هژمونی آمریکا نام برد، چین‌ها سعی کردند از کمک‌هایی که به دیگر کشورها ارائه می‌دهند به نحوی معمول از دیپلماسی عمومی استفاده کنند (Kobierecka & Kobierecki, 2020). از سال 1990 ایران و عربستان در تأمین انرژی چین، سهم قابل توجهی داشتند. لیکن از اواخر 2000 چین تمرکز خود را از ایران به عراق تغییر داد، گسترش قابل توجه همکاری‌های چین در حوزه انرژی با همه کشورهای حاشیه خلیج فارس، تقویت روابط انرژی آن با عراق، عربستان و ایران که نمونه بارز آن انعقاد قرارداد 25 ساله با ایران است. ولی در ادامه با وجود اشاره‌ای حداکثری از سوی آمریکا و توفیق ایران در تولید و فروش منابع انرژی، چین را بر آن داشت تا با مغتنم شمردن فرصت، ایران را یکی از مشتریان اصلی تهیه منابع انرژی خود به شمار آورد؛ و ایران را به عنوان یک متحد توانمند برای تهیه و تأمین انرژی و تأمین امنیت انرژی خود در بلند مدت محسوب نماید. سیاست غرب آسیایی چین در قبال رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نحوی است که تلاش دارد منافع را در میان ترتیبات موجود و منازعات، اتحاد و ائتلاف مدیریت و کنترل کند، چین به نوعی سود و زیان خود را مدیریت می‌کند و از سود حداکثری صرف نظر می‌کند (Garlickd & Havlová, 2020).

رقابت سیاسی بین چین و آمریکا، تلاش و درگیر شدن آن‌ها در فرایند اجتماعی شدن و با گسترش حوزه‌های نفوذ خود سعی می‌کنند، که نظام بین‌الملل را برای کاهش قدرت رقیب و ایجاد حاشیه‌ای امن برای پیشبرد اهداف خود قرار دهند (Foot & Walter, 2011). چین همچنان که حوزه تأمین انرژی خود را با نفوذ در سایر حوزه‌های موجود در غرب آسیا گسترش می‌دهد که این امر موجبات کاهش نفوذ آمریکا را در مناطق غرب آسیا شده است. چین به‌عنوان بزرگترین مصرف‌کننده نفت جهان تأثیر زیادی بر قیمت‌گذاری نفت داشته است و این موضوع قدرت

کنترل بازار نفت جهان را به‌عنوان یک مقوله مهم از دست آمریکا خارج می‌نماید (فرهمند، متقی، و میرکوشش، 1400).

### 1-3-6. روابط اقتصادی تسلیحاتی روسیه در منطقه

روسیه بعد از 11 سپتامبر و در دهه اخیر تلاش وافری برای مقابله با هژمونی آمریکا در منطقه غرب آسیا با حضور و روابط اقتصادی و تسلیحاتی خود در سطح کشورهای منطقه، مجموعه‌ای از واکنش‌های سیاسی و اقتصادی را در برابر سیاست‌های آمریکا به کار گرفته است. توسعه روابط ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف از این قبیل است.

### 1-3-7. مناقشات ارضی و مرزی

اختلافات ژئوپلیتیک، اختلاف میان کشورها در زمینه‌های مختلف است که ریشه در سرزمین و جغرافیای کشورها دارد. به‌عبارت دیگر؛ اختلافات ژئوپلیتیک میان کشورها تا حد زیادی به عوامل جغرافیایی بستگی دارد. موقعیت، ادعاهای سرزمینی، جزایر، شکل، محیط‌زیست، جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، اجتماعی و سازمان سیاسی، مؤلفه‌های جغرافیایی هستند که بر اختلافات و رقابت کشورها می‌توانند اثرگذار باشند (Rashed, 2019) وجود مناقشات ارضی و مرزی در بین کشورهای غرب آسیا (کلانتری، 1400) برهم زننده امنیت اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و ... خواهد شد. که این مناقشات در کشورهای عراق، سوریه، بحرین و عربستان و... باعث بروز برخی معضلات و چالش‌ها با سایر کشورهای مورد مناقشه شده است.

### 1-3-8. منازعات شناختی و هویتی

رابطه میان هویت‌گرایی و منطقه‌ای یا چگونگی تأثیر هویت‌های قومی و مذهبی بر ساختارهای امنیتی مناطق و نظام بین‌الملل موضوعی است که در سال‌های پس از جنگ سرد و بین‌المللی شدن منازعات هویتی در جهان سوم اهمیت یافت. هویت‌گرایی یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رفتاری انسان‌ها و مبنای بسیاری از پویاها و وابستگی‌های متقابل در منطقه غرب آسیا است، که ساختارهای منطقه‌ای را به چالش کشیده است (Berzonsky, 2003) در دوران معاصر با وجود تعلق خاطر به هویت عربی و اسلامی از تمایلات وحدت‌طلبانه و گروه‌های هویت‌بنیاد فراملی از جمله پان‌عربیسم و اسلام‌گرایی در سطوح اجتماعی و دولتی منطقه غرب آسیا کاسته

شده است (Ayub, 1995)، فرهنگ‌های متفاوت و نامتجانس در غرب آسیا وجود ریشه‌های تاریخی، خرده‌فرهنگ‌ها وجود فرق برخاسته از ساخت اجتماعی و سیاسی کشورها از شکل‌گیری فرهنگ غالب ممانعت نموده و زمینه‌های اختلافات قومی نژادی و قبیله‌ای را در این کشورها به وجود آورده است.

### 1-3-9. روابط اقتصادی - امنیتی آمریکا در منطقه

وجود ائتلاف عربی علیه یمن و انتخاب عربستان برای تأمین انرژی خود، فروش تسلیحات نظامی و ... به کشورهای حوزه غرب آسیا نظیر امارات، عربستان و ... رویکرد تهدیدمحوری را در این منطقه اتخاذ نموده است. وجود چنین زمینه‌هایی از تقابل در میان این کشورها باعث شده است که همواره فضایی از تنش وجود داشته باشد و تحرکات طرف‌های مقابل به‌عنوان تهدید تلقی شود. بدین ترتیب چرخه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها به وجود آمده است که فرضیه وجود رقابت تسلیحاتی بین این کشورها را تقویت می‌کند.

یکی از نمونه‌های بروز رقابت تسلیحاتی را می‌توان در سال 2017 مشاهده کرد که مخارج نظامی دو کشور به‌طور همزمان افزایش یافته است. در این سال عربستان سعودی، قرارداد سنگین خرید تسلیحات نظامی را با ایالات متحده امضا نمود (عباسی دره بیدی و رحیمی، 1400).

راهبرد خاورمیانه بزرگ در دهه آخر قرن بیستم، آمریکایی‌ها به مدت 10 سال، نه دشمن نه تفکر دشمنانه‌ای را علیه خود نمی‌دیدند، لذا بر آن بودند تا با معرفی دشمنی فرضی جدید تا بتوانند اهداف خود را در مقابله با آن پیاده کنند و با دنبال کردن تأمین اهداف خود شامل: تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، تأمین انرژی، توسعه فرهنگی لیبرال دموکراسی، مقابله با بنیادگرایی اسلامی در منطقه غرب آسیا برآیند.

## 2. روش پژوهش

این پژوهش با مرور منابع کتابخانه‌ای، سراچه‌ها، بهره‌گیری از خبرگان و تحلیل ماتریس متقاطع انجام شده است. در پژوهش حاضر به‌منظور تحلیل تأثیر متقاطع<sup>۱</sup> به‌عنوان روشی برای تعیین روابط متقابل بین مؤلفه‌ها از نرم‌افزار میک مک استفاده شده است.

برای انجام این پژوهش از طریق مرور منابع کتابخانه‌ای و اسنادی ابتدا 9 پیشران با عناوین: دیپلماسی نهضتی محور مقاومت (q1)، ائتلاف عربی-عبری (q2)، روابط اقتصادی-امنیتی آمریکا در منطقه (q3)، اشتراکات دینی و ارزشی (q4)، عضویت ایران در پیمان شانگهای (q5)، روابط اقتصادی چین در منطقه (q6)، روابط اقتصادی تسلیحاتی روسیه در منطقه (q7)، منازعات ارضی و مرزی در منطقه (q8)، منازعات شناختی و هویتی (q9)، شناسایی شد.

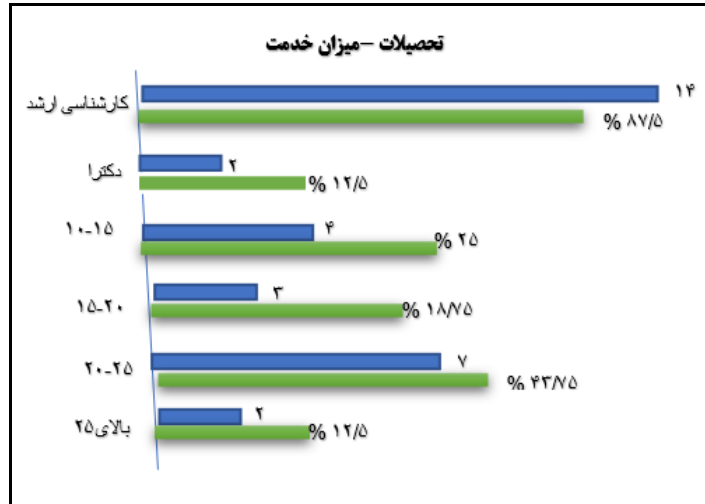
گام دوم پس از شناسایی پیشران‌ها و متغیرهای در مرحله قبل طی پرسشنامه‌ای از افراد خبره خواسته شد به منظور شناسایی میزان ارتباط پیشران‌ها با توجه به طیف (0 تا 3)، عدد صفر (بدون تأثیر)، عدد یک (تأثیر ضعیف)، عدد دو (تأثیر متوسط) و عدد سه به معنی تأثیر زیاد است، میزان ارتباط پیشران‌ها را در جدول ماتریس متقاطع مشخص نمایند، در گام سوم جهت تعیین پیشران‌های کلیدی و تشخیص روابط متقابل آن‌ها در ماتریس 9\*9 از نرم‌افزار میک بهره‌برداری شد که در آن تأثیر متغیرها نسبت به همدیگر مشخص و تعیین می‌شود ماتریس موردنظر توسط یک نمودار متناظر که در آن جهت تأثیرگذاری هر گره بر دیگری توسط پیکان‌ها و میزان تأثیرگذاری بر روی آن پیکان که به صورت عددی مشخص است نمایش داده می‌شود و در آخر نیز با توجه به موقعیت متغیرها در نمودار نسبت به رتبه‌بندی و شناسایی پیشران‌های کلیدی اقدام شد.

جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دکتری رشته‌های آینده‌پژوهی و دفاع ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و اساتید صاحب‌نظر در این زمینه می‌باشند.

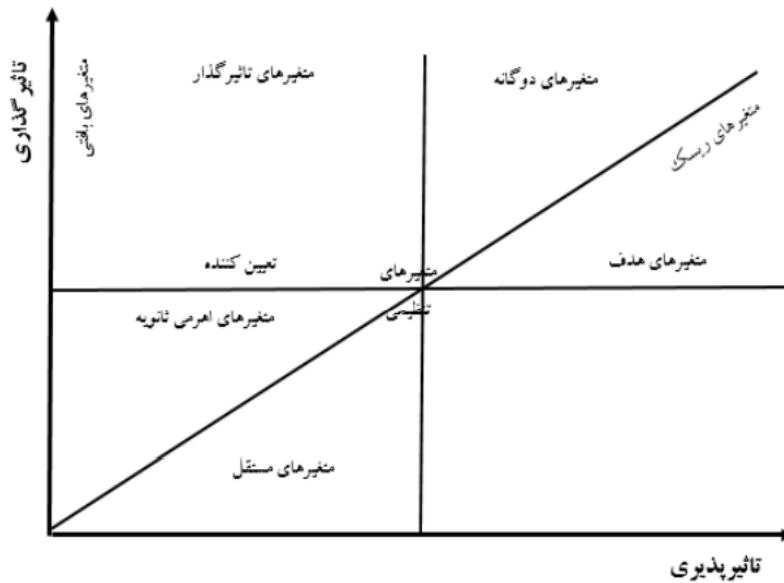
### 3. یافته‌های پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل 16 نفر از دانشجویان و اساتید هستند. در این قسمت به تحلیل جامعه آماری با توجه به فراوانی خبرگان پرداخته می‌شود. در نمودار (1) سابقه کاری خبرگان و میزان تحصیلات ایشان مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

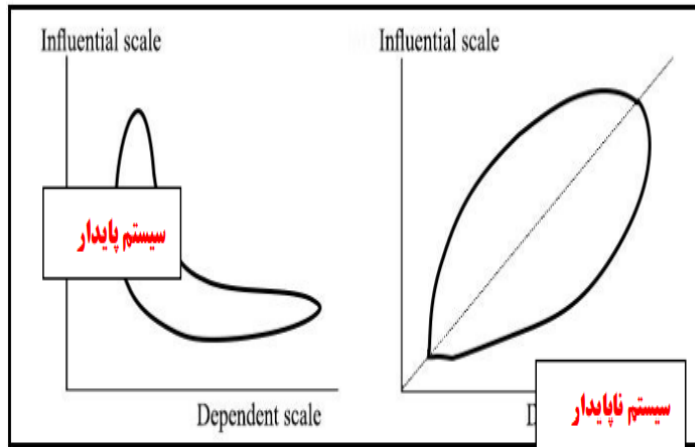
با توجه به شکل (1) وضعیت پایداری و یا ناپایداری در یک سیستم بر نحوه تحلیل متغیرها اثرگذار خواهد بود.



نمودار ۱. میزان تحصیلات و خدمت خبرگان پژوهش (مأخذ: یافته های پژوهش 1401)



نمودار ۲. تأثیرگذاری- تأثیرپذیری (مأخذ: Godet, 2008)



شکل 1. پایداری یا ناپایداری در سیستم

جدول 1. ماتریس بررسی تأثیر متغیرها (مأخذ: یافته‌های پژوهش 1401)

	1:q1	2:q2	3:q3	4:q4	5:q5	6:q6	7:q7	8:q8	9:q9
1:q1	0	3	2	2	3	1	2	2	1
2:q2	3	0	3	2	2	1	2	2	2
3:q3	1	2	0	1	1	1	2	1	2
4:q4	2	1	0	0	1	2	1	1	2
5:q5	1	0	1	1	0	3	1	1	1
6:q6	1	1	2	1	1	0	1	1	2
7:q7	1	1	2	2	1	2	0	1	1
8:q8	3	2	2	2	2	1	1	0	1
9:q9	1	1	1	2	1	1	1	1	0

©LPSOR-EPTA-MCMAC

بر اساس نتایج پایایی به‌دست‌آمده از نرم‌افزار میک مک (جدول 2)، می‌توان گفت که شاخص به‌دست‌آمده برای متغیرها با 2 بار تکرار داده‌ای در نرم‌افزار، عدد 86/42 درصد را نشان می‌دهد که این امر، نشان ضریب تأثیرگذاری متغیرها و عوامل انتخاب‌شده بر یکدیگر است. این حالت نشان از اعتبار و پایایی ابزار پژوهش و دقت قابل استناد در پایایی نتایج نرم‌افزار و متناسب بودن و صحت پرسشنامه و اطلاعات به‌دست‌آمده دارد که در سطح بسیار مطلوب مورد تأیید قرار گرفت.



جدول ۲. ویژگی‌های ماتریس اولیه (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

شاخص	ارزش
اندازه ماتریس	9
تعداد تکرار داده‌ای	2
تعداد صفرها	11
تعداد یک‌ها	39
تعداد اوها	25
تعداد سه‌ها	6
تعداد P تا	0
جمع	70
شاخص پُرشده‌گی	86/42 درصد

جدول ۳. تعداد سطر و ستون متغیرها (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

### Matrixsum

N°	Variable	Total number of rows	Total number of columns
1	q1	16	13
2	q2	17	11
3	q3	11	13
4	q4	10	13
5	q5	9	12
6	q6	10	12
7	q7	11	11
8	q8	14	10
9	q9	9	12
	Totals	107	107

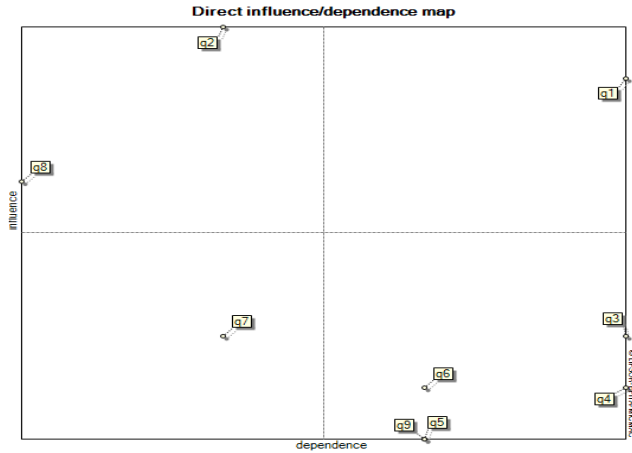
در نمودار (3) جهت تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر توسط پیکان‌ها و میزان تأثیرگذاری نیز در بالای آن پیکان با عدد نمایش داده شده است و با توجه به موقعیت متغیرها (شکل 1)، رتبه‌بندی و استخراج عوامل کلیدی انجام خواهد گرفت.

این شکل، نمایی کلی از توزیع متغیرها را در حالت کلی، در نظم جدید جهانی را نشان می‌دهد. بر این اساس و در چارچوب نمودار 3 متغیر q1 (دیپلماسی نهضتی محور مقاومت) در محدوده ریسک نمودار، نشان از ناپایداری شدید متغیر موردنظر در نظم جدید جهانی را به دنبال دارد، به نحوی که با کمترین تغییر در متغیرهای ریسک، روند کلی ارتباطات تحت تأثیر شدید قرار می‌گیرد.

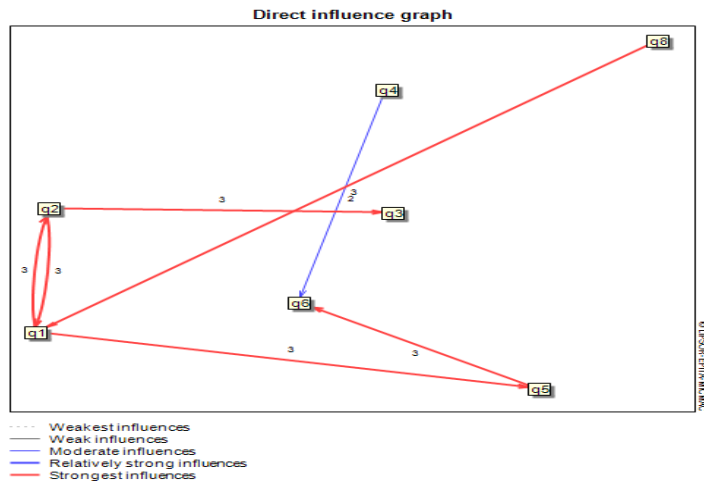
متغیرهای q1 (اقتدار مرزی و ارضی بین کشورهای منطقه)، q2 (ائتلاف عربی-عبری) با کمترین وابستگی و بیشترین تأثیر (گوشه سمت چپ بالا) پیشران‌های اثرگذار یک سیستم هستند. q8 به‌عنوان متغیر بافتی که از مهم‌ترین متغیرها نقش اساسی در پایداری سیستم دارد و همچنین q2 به‌عنوان بحرانی‌ترین متغیر که در منطقه تأثیرگذار واقع شده است.

متغیرهای با کمترین تأثیرگذاری و بیشترین وابستگی یا تأثیرپذیری (گوشه سمت راست پائین) آن‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را از تغییر شرایط در یک سیستم می‌پذیرند. که متغیرهای وابسته هستند. تغییر در این متغیرها گاه در نتیجه تأثیر متغیرهای پیشران است. آگاهی این تأثیرپذیری در واقع تأثیر غیرمستقیم اثر پیشران‌های (گوشه سمت راست بالا) است. متغیرهای q3 (روابط اقتصادی-امنیتی آمریکا در منطقه)، q4 (اشتراکات دینی و ارزشی)، q5 (عضویت ایران در پیمان شانگهای)، q6 (روابط اقتصادی چین در منطقه) و q9 (منازعات شناختی و هویتی)، دارای این ویژگی می‌باشند.

q7 (روابط اقتصادی تسلیحاتی روسیه در منطقه)، واقع در منطقه مستقل شکل 1، با کمترین وابستگی و تأثیرگذاری کم (گوشه سمت چپ پائین) دارای کمترین اهمیت. در نظم جدید جهانی در غرب آسیا است.

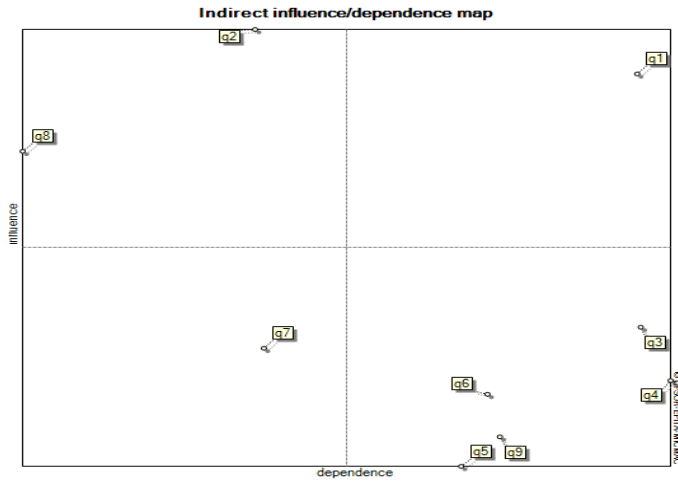


نمودار 3. توزیع متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری - وابستگی مستقیم (مأخذ: یافته‌های پژوهش، 1401)

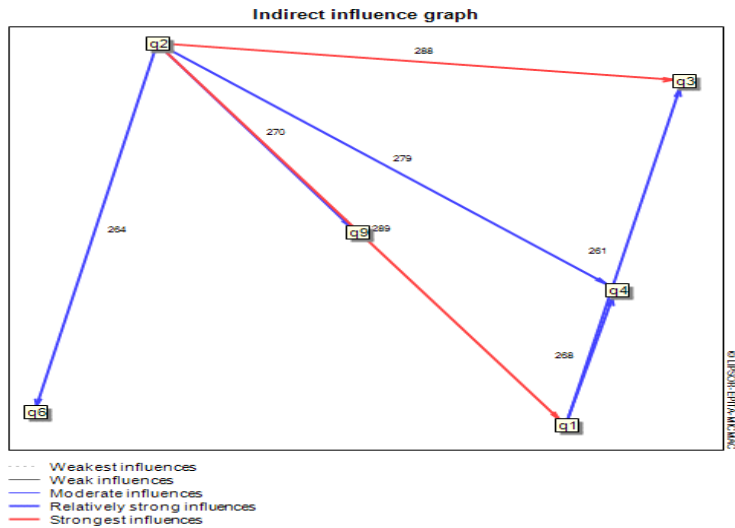


نمودار 4. توزیع متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری - وابستگی مستقیم با پوشش 100٪ داده‌ها

نمودارهای 5 و 6 در مرحله بعد و برای سنجش اثر غیرمستقیم متغیرها، داده‌های حاصل از تحلیل مستقیم متغیرها که به رسانده شده‌اند. امکان مطالعه اثرات غیرمستقیم متغیرها که به وسیله مسیرها و در نظم جدید جهانی انتشار یافته‌اند، فراهم شده است. در این راستا، با مرتب کردن متغیرها، به نظم موجود در بین عناصر رابطه و میزان اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر پی خواهیم برد.



نمودار 5. توزیع متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری- وابستگی غیرمستقیم (مأخذ: یافته های پژوهش 1401)



نمودار 6. توزیع متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری- وابستگی غیرمستقیم

جدول ۴. رتبه‌بندی کلی پیشران‌ها

Rank	Label	Direct influence	Label	Direct dependence	Label	Indirect influence	Label	Indirect dependence
1	q2	1588	q1	1214	q2	1565	q4	1199
2	q1	1495	q3	1214	q1	1487	q3	1188
3	q8	1308	q4	1214	q8	1352	q1	1186
4	q3	1028	q5	1121	q3	1045	q9	1134
5	q7	1028	q6	1121	q7	1009	q6	1130
6	q4	934	q9	1121	q4	952	q5	1120
7	q6	934	q2	1028	q6	928	q7	1045
8	q5	841	q7	1028	q9	854	q2	1041
9	q9	841	q8	934	q5	803	q8	953

براساس نتایج حاصله از ماتریس متقاطع و خروجی‌های نرم‌افزار میک مک جدول ۵ پیشران‌های زیر (q1, q2, q8) به دلیل برخوردارگی از بیشترین نمره در جنبه‌های تأثیر مستقیم وابستگی مستقیم تأثیر مستقیم و وابستگی غیرمستقیم به‌عنوان پیشران‌های کلیدی شناسایی شدند.

جدول ۵. پیشران‌های کلیدی (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱)

Rank	Label	Direct influence	Label	Direct dependence	Label	Indirect influence	Label	Indirect dependence	Label
1	q2	1588	q1	1214	q2	1565	q4	1199	q2
2	q1	1495	q3	1214	q1	1487	q3	1188	q1
3	q8	1308	q4	1214	q8	1352	q1	1186	q8

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقاطع متعادل و با کمک نرم‌افزار میک مک و بر اساس تحلیل‌های ماتریس‌های «تأثیرات مستقیم» و «تأثیرات غیرمستقیم» استخراج شد نکته حائز اهمیت در این تحلیل‌های انجام‌شده آن است که در مجموع متغیرها (۹ مورد) سه پیشران کلیدی

زیر شناسایی شده‌اند.

- ائتلاف عربی - عبری: رژیم صهیونیستی به تنهایی با سه عضو از محور مقاومت، از جنوب غربی با غزه در سرزمین‌های اشغالی، از شمال شرقی با سوریه و از شمال با لبنان مرز مشترک دارد. و ایران نیز با توجه به دسترسی از طریق عراق و سوریه به آسانی به مرزهای سرزمین‌های اشغالی همکاری‌های گسترده‌ای به خصوص از لحاظ نظامی و اقتصادی با سایر اعضای محور مقاومت دارد. با در نظر داشتن این نکته که فاصله مرز کشورهای محور مقاومت، چون سوریه و لبنان تا مراکز حساس و شهرهای مهم رژیم صهیونیستی بسیار اندک است و از سوی دیگر اعراب با ایدئولوژی سنتی و محافظه‌کارانه، همواره خطر تأثیر عقاید ایدئولوژی تشیع کشورهای محور مقاومت را در درون مرزهای خود حس می‌کنند. وجود مرز مشترک و یا فاصله اندک بین رژیم صهیونیستی و اعراب حوزه خلیج فارس با کشورهای عضو محور مقاومت، چون لبنان، سوریه، فلسطین، عراق، یمن و جمهوری اسلامی ایران همواره یک عامل تهدیدکننده برای موجودیت و بقای رژیم صهیونیستی و اعراب بوده است تلاش برای کاهش این تهدید از مهمترین اهداف رژیم صهیونیستی با ایجاد همکاری و ائتلاف با کشورهای عربی بوده است که با توجه به نقش تعیین‌کننده و اهمیت بالای آن، به‌عنوان یک پیشران کلیدی در نظم جدید جهانی دارای اهمیت است.

- دیپلماسی نهضتی محور مقاومت: دیپلماسی نهضتی بر محور و مدار مقاومت به‌عنوان آبخور فکری این نوع از دیپلماسی، به‌دنبال آگاهسازی و بیدارسازی ملت‌هاست تا بر اساس حق تعیین سرنوشت برای خود تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را به دست خود رقم بزنند. مقاومت، به‌عنوان نقطه تلاقی مصالح اسلامی و منافع ملی (عمق‌بخشی و بازدارندگی)، ضامن استقلال و اساساً مرز میان حق و باطل و شاخص مرزبندی با دشمن است که از طریق دیپلماسی نهضتی با «سلطه» و «اشغال» از یک طرف و «الحاد» و «تکفیر» از طرف دیگر مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل مقابله می‌کند؛ یک پیشران کلیدی در نظم جدید جهانی محسوب می‌شود.

- مناقشات مرزی و ارضی بین کشورهای منطقه غرب آسیا: اختلافات کشورهای منطقه با یکدیگر ناشی از بی‌اعتمادی و فقدان عزم سیاسی زمینه‌ساز بی‌ثباتی و نفوذ کشورهای فرامنطقه‌ای به خصوص آمریکا شده است. هرچند گام‌هایی در جهت تقویت همگرایی طی دو دهه اخیر برداشته شده است اما به دلیل عدم وجود عزم سیاسی و همچنین وجود کشمکش‌ها و منازعات دیرینه، منجر به شکل‌گیری علائق و منافع واگرایانه در منطقه غرب آسیا شده است، وجود مناقشات مرزی و ارضی بین کشورهای منطقه به‌عنوان یک پیشران کلیدی در نظم جدید جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش و با توجه به فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود، پیشنهادهای زیر برای انجام مطالعات آتی در این حوزه مطرح می‌شود.

با توجه به شناسایی مهم‌ترین پیشران‌های منطقه غرب آسیا در نظم جدید جهانی پیشران‌های احصاشده در یک بستر مطالعاتی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و سناریوهای محتمل آینده با حضور جمهوری اسلامی ایران، مرتبط و متناسب با بحران‌ها و رویدادهای منطقه‌ای در نظم جدید جهانی طراحی و تعیین شود.

در پژوهش‌های آتی با شناسایی و تحلیل بازیگران کلیدی مؤثر در روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای منطقه غرب آسیا، نقش‌آفرینی مؤثر ایران در نظم جدید جهانی مورد بررسی قرار گیرد.

## فهرست منابع

## الف. منابع فارسی

- آجورلو، حسین (1400). سیاست خارجی جدید آمریکا افول از جایگاه ابرقدرت به جایگاه قدرت بزرگ جهانی، *مطالعات راهبردی آمریکا*، 1(2)، ص 93-109.
- آرم، آرمینا (1397). بررسی و نقد کتاب نظم جهانی، *فصلنامه علوم انسانی*، 1(4)، 111-120.
- افتخاری، اصغر (1381). هویت ملی و جهانی‌شدن، *بازتاب اندیشه*، 3.
- امام خمینی (1378). *صحیفه امام*. ج 9، ج 10، ج 12. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- اسدی، علیرضا (1396). بررسی ماهیت جهانی‌شدن و رابطه آن با نظام سلطه در اندیشه امام خامنه‌ای، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، 20(76)، 33-5.
- حسونند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (1398). نظم نوین جهانی و تحول در منطقه‌گرایی. *فصلنامه روابط خارجه*، 10(40)، 39-69.
- رحیمی، رضا و یزدان پناه، کیومرث وزارعی، بهادر (1397). تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه جنوب غرب آسیا و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، 50(40)، 1011-1027.
- رواسانی، شاپور (1384). جهانی‌شدن اقتصاد و هویت ملی؛ کوششی برای ارائه بدیل: جهانی‌شدن دموکراتیک، *مجموعه مقالات همایش هویت ملی و جهانی‌شدن*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رابرتسون، رونالد (1385). جهانی‌شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی (کمال پولادی، مترجم)، تهران: ثالث.
- سلیمی، نمین (1383). *ارمغان دموکراسی*، تهران.
- عطایی، فرهاد و میرنظامی، منیرالاسادات (1400). همکاری و منازعه در غرب آسیا، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، 51(4)، 1015-1038.
- عباسی، ابوالفضل و رحیمی، زکيه (1400). تحلیل رقابت تسلیحاتی غرب آسیا بر اساس دیدگاه واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، 10(1)، 129-160.



- فرهمند، محمدرضا و متقی، ابراهیم و میرکوشش، ابراهیم (1400). رقابت هژمونیک آمریکا چین و تأثیر آن بر جریان انرژی و نفت در جهان، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، 18(69)، 103-120.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (1399). نظریه نظم نوین انقلابی در روابط بین‌الملل؛ مبتنی بر گفت‌وگو میان مقاومت و دیپلماسی نهضتی، دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- کیسینجر، هنری (1381). دیپلماسی آمریکا در قرن بیست و یک (ابوالقاسم راه‌چمنی، مترجم)، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
- کلانتری، فتح‌الله (1400). تحولات مهندسی شده منطقه غرب آسیا در پسا خروج آمریکا از افغانستان علیه ج.ا.ایران و محور مقاومت، [t.me/dr/fakalantari](http://t.me/dr/fakalantari).
- کردی، مهدی (1401). سیاست تمرکززدایی آمریکا از خاورمیانه، *مجله روابط بین‌الملل* <https://www.iirgornal.ir>
- گلشنی، مهدی و غلامی، رضا (1387). گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی‌شدن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لویمی، خدیجه و کریمی‌نیا، محمد مهدی و انصاری مقدم، مجتبی (1400). تحلیل نقش نظم نوین جهانی در خاورمیانه، *پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات*، 3(27)، 1-11.
- مرادی، مهدی. (1395). نتانیا هو، متحد پنهان اعراب، پایگاه خبری تحلیلی راستین آنلاین. 5 مهر، <https://www.rastinonline.ir>.
- متقی، ابراهیم و معینی، امین (1400). هویت‌گرایی و نظم منطقه‌ای خاورمیانه، *فصلنامه روابط خارجی*، 13(4)، 693-714.

#### ب. منابع انگلیسی

- Ayub, Nazih (1995). *Over standing the Arab State, Politics and Society in the Middle East*. Landon: I. B. Tauris.
- Chamsky, Noam (2016). *The Decline of American Empire*, salon, May 10.
- Berzonsky MD (2003). *The structure of Identity: commentary on Jane Kroger's View of Identity status Transition*. *Identity. International Journal of Theory and Research*. 3(3): 231-45.
- Cox, Michael (2012). *Power Shifts, Economic Change and the Decline of the*

- west? International Relations, 369-388.
- Garlick, J and Havlová, R. (2020). China's "Belt and Road" Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry. *Journal of Current Chinese Affairs*, 49(1), 82-105.
- Foot, Rosemary, and Walter, Andrew (2011). *China, the United States, and Global Order*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Moshe Yaalon and Leeche Friedman, "Israel and the Arab States: A Historic Opportunity to Normalize Relations?" *Foreign affairs*, 2018.
- Ikenberry, John (2011). The Future of the Liberal World Order, *Foreign Affairs*, 26-28.
- kenberry, G. John and Nexon, Daniel H. (2019), "Hegemony Studies 3.0: The Dynamics of Hegemonic Orders", *Security Studies*, 28(3).
- kenberry, John (2012). *Liberal Leviathan: The Origins, Crisis and Transformation of The American world order*. Princeton and Oxford: Princeton University Press.
- McCoy, Alfred (2010). *The Decline and fall of the American Empire, The Nation*.
- Rashed, dina (2019). *Geography, Resources and the Geopolitics of Middle East Conflicts*.
- Vatanka, Alex. (2018). "Iran's use of Shi'i Militant Proxies, Ideological and Practical Expediency Versus Uncertain Sustainability", *Middle East Institute*, June.
- Wters, Malkom(1995). *Globalization*, London.

### ج. وبسایت‌های اینترنتی

- Kobierecka, Anna ·Michał Marcin Kobierecki (2020), "Coronavirus diplomacy: Chinese medical assistance and its diplomatic implications".*International Politics* <https://doi.org/10.1057/s41311-020-00273-1>.
- Mullan, Terrence (2020), "The Corrosion of World Order in the Age of Donald Trump", *Council on Foreign Relations*, 13 February, Available at: <https://www.cfr.org/blog/corrosion-worldo>.
- Omar H. Rahman, (January 28, 2019), "What's behind the relationship between Israel and Arab Gulf states?", *Brookings*, available at: <https://www.brookings.edu>

### COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

